

مطالعه زمینه‌های جمعیت‌شناختی بیداری اسلامی^۱

جواد شجاعی*

این مقاله، بخشی از پژوهشی است که به مطالعه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی بیداری اسلامی پرداخته است. این مطالعه توصیفی با این سؤال آغاز شد که آیا بین ویژگی‌های جمعیت‌شناختی کشورهایی که بیداری اسلامی را تجربه می‌کنند شباهت یا تفاوتی وجود دارد؟ در پاسخ به این سؤال از روش مطالعه تطبیقی و با استفاده از راهبرد مورد محور به مقایسه کشورها و تحلیل شباهت‌ها و تفاوت‌های جمعیتی آنها پرداخته شد. در این مطالعه کشورها در قالب سه دسته مورد مقایسه قرار گرفتند. دسته اول شامل کشورهای مصر، تونس، لیبی و یمن؛ دسته دوم، شامل کشورهای بحرین و سوریه و دسته سوم، شامل کشورهای عربستان، عمان، الجزایر و مراکش می‌باشد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که شباهت زیادی بین ویژگی‌های جمعیت‌شناختی کشورهایی که بیداری اسلامی را تجربه کرده‌اند وجود دارد. با مقایسه این ویژگی‌ها درمی‌یابیم که الگوی مشابهی در ویژگی‌های جمعیت‌شناختی این کشورها وجود دارد که می‌تواند زمینه بروز مخاصمات را فراهم نماید. اما این بدان معنی نیست که هر جا این همگرایی جمعیتی مشاهده شود بروز مخاصمات حتمی است. بلکه باید توجه داشت که این ویژگی‌های جمعیت‌شناختی بالقوه عاملی برای ناآرامی هاست که باید با عوامل دیگری ترکیب شوند.

واژگان کلیدی: جمعیت، بیداری اسلامی، کشورهای عربی

۱. این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی است که تحت همین عنوان در سال ۱۳۹۱ در مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور انجام شده است.

* دانشجوی دوره دکتری جامعه‌شناسی، کارشناس پژوهشی مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور.
Sho2412@yahoo.com

مقدمه

نظریه پردازان در تحلیل تغییرات اجتماعی به عوامل مختلفی اشاره کرده‌اند. به نظر می‌رسد جمعیت یکی از عواملی است که در بروز تغییرات و آینده جوامع نقش به‌سزایی ایفا می‌کند. به موازات تغییر حجم و ترکیب جمعیتی هر منطقه، مردم باید خود را با وضعیت جدید هماهنگ سازند. این امر می‌تواند موجب ایجاد و تشدید مشکلات اجتماعی، اقتصادی و بخصوص سیاسی شود. از طرف دیگر جمعیت می‌تواند به‌عنوان ابزار سیاسی در سطوح محلی، ملی و منطقه‌ای مورد استفاده قرار گیرد. از این رو دولت‌ها سعی دارند تا با اتخاذ برنامه‌هایی عوامل جمعیتی را تحت کنترل خود درآورند. بر این اساس، بسیاری از مسایل اجتماعی و فرهنگی را می‌توان با افزایش نسبی جمعیت مورد تحلیل قرار داد. زیرا هر جامعه، در هر مقطع از تاریخ، وضعیت جمعیتی ویژه‌ای دارد که تعیین کننده مسایل اجتماعی فرهنگی خاصی خواهد بود. برای نمونه، برخی از نویسندگان از دو برابر شدن شمار کارگران در ایران از سال ۱۹۵۶ تا دو دهه بعد از آن، به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در نقش‌آفرینی آنان در جریان انقلاب اسلامی یاد می‌کنند (افشارکهن و صادقی، ۱۳۸۵: ۲۰۲).

گلدستون^۱ با تکیه بر پژوهش‌های اخیر در تاریخ جمعیت‌شناختی نشان می‌دهد که دلایل بلند مدت بحران سیاسی انگلیس، عمدتاً تغییرات جمعیتی بودند، و بسیاری از تحولاتی که اشتباهاً به رشد سرمایه‌داری در انگلستان اوایل دوران مدرن نسبت داده شده‌اند، در حقیقت تغییراتی بوده‌اند که به‌واسطه رشد سریع جمعیت بین سال‌های ۱۵۰۰ تا ۱۶۴۰ میلادی، در تعداد یا نحوه توزیع مشاغل، و در رویه‌ها و درآمدهای سنتی رخ داده‌اند (گلدستون، ۱۳۸۵: ۲۳۳). بدین ترتیب، بسیاری از مسائل اجتماعی-اقتصادی و سیاسی با استفاده از مکانیزم موجود در جمعیت قابل تحلیل هستند. با اتخاذ چنین رویکردی؛ به تحولات کشورهای شمال آفریقا و غرب آسیا که به بیداری اسلامی معروف شد نگاهی مختصر می‌اندازیم.

شروع این ناآرامی‌ها در سال ۲۰۱۱ میلادی (۱۳۸۹ شمسی) با اعتراض به معضل بیکاری در تونس آغاز شد و پس از تونس، مردم لیبی، مصر، یمن و... به خیابان‌ها آمدند و علیه ساختار ناکارآمد سیاسی و اقتصادی حاکمان شعار دادند.

محمد بوعزیزی جوان تحصیل کرده تونسی در اعتراض به فقر و بیکاری، اقدام به خودسوزی در برابر ساختمان استانداری تونس کرد. اقدامی که در نهایت با قیام مردم تونس به برکناری رئیس‌جمهور تونس منجر شد.

با الهام از انقلاب تونس، راهپیمایی‌ها و اعتراضات در مصر علیه حسنی مبارک آغاز شد. مبارک در فوریه ۲۰۱۱، هجده روز پس از آغاز اعتراضات استعفا کرد و اختیارات خود را به شورای عالی نیروهای مسلح متشکل از فرماندهان ارشد ارتش سپرد. با وجود سرنگونی حکومت،

برخی از معترضین همچنان به اعتراضات خود ادامه دادند. سرانجام قانون اساسی جدیدی در این کشور با همه‌پرسی عمومی رسمیت یافت و انتخابات پارلمانی برگزار شد. پارلمان، تغییراتی را در قانون اساسی صورت داد تا زمینه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری فراهم شود. در انتخابات ریاست جمهوری که در ژوئن ۲۰۱۲ برگزار شد، محمد مرسی در رقابت با ژنرال احمد شفیق پیروز انتخابات گردید. یک‌سال بعد، موج جدیدی از اعتراضات علیه دولت مرسی شکل گرفت و طی همین اعتراضات دولت مرسی سقوط کرد. رئیس ستاد ارتش مصر، مرسی را از ریاست‌جمهوری برکنار و رئیس شورای قانون اساسی را مسئول تشکیل کابینه موقت تا برگزاری انتخابات ریاست جمهوری کرد.

موفقیت مردم تونس و مصر موج تحول‌خواهی را به یمن نیز کشانید. مردم در تظاهرات مسالمت‌آمیز خیابانی خواستار برکناری علی عبدالله صالح که ۳۳ سال رئیس جمهور یمن بود شدند. این خواسته مردم ابتدا با پیشنهادهای برای مصالحه مواجه شد که از سوی حکومت عقیم ماند؛ و سپس با سرکوب شدید و بمباران بخش‌هایی از شهر صنعا روبه‌رو گردید. از آن پس حرکت‌های مردمی نیز به سوی خشونت‌بار شدن پیش رفت. و به دلیل ساختار سیاسی خاص یمن اعتراضات، به جنگ قبیله‌ای مبدل شد. هم اکنون نیز پرچمدار اعتراضات، قبیله الاحمر است که از بزرگترین قبایل یمن می‌باشد.

مردم لیبی نیز که از حکومت سرهنگ قذافی به تنگ آمده بودند، تحت تأثیر تحولات منطقه، به امید برکناری وی و تغییر ساختار سیاسی به خیابان‌ها ریختند. اما قذافی آنان را به گلوله بست و وحشیانه آنان را سرکوب نمود. مردم نیز به جنگ شهری روی آوردند و با تصرف شهرها به سمت پایتخت لیبی حرکت کردند. اما قذافی با تمام نیروی نظامی خود در مقابل مردم کشورش ایستاد و خسارات و تلفات اسفناکی بر جای نهاد. تا آنجا که نیروهای بین‌المللی به دنبال صدور قطعنامه شورای امنیت، عملیات نظامی هوایی علیه نیروهای رژیم پیشین را آغاز کردند. قذافی کشته شد.

این موج تظاهرات و اعتراضات که در جهان عرب از تاریخ ۱۸ دسامبر ۲۰۱۰ آغاز شد و حاکمان تونس، مصر، یمن و لیبی را مجبور به کناره‌گیری از قدرت کرد و به دنبال آن قیام‌های مدنی در بحرین فوران کرد و در سوریه تظاهرات و جنگ داخلی بوجود آورد، به بهار عربی یا بیداری اسلامی شهرت یافت.

همانطور که ملاحظه می‌شود؛ ماهیت اعتراضات و شکل بروز این ناآرامی‌ها در این کشورها شباهت زیادی به هم دارند. در این وقایع بخش عمده مردم در صحنه حضور دارند. نارضایتی، عمومی است. ساختار سیاسی در حال تغییر است. اما در عین حال تفاوت‌های قابل توجهی نیز در چگونگی و ماهیت حرکات اعتراضی، شیوه بروز و اهداف آن‌ها وجود دارد. به‌طوری که تحولات انجام گرفته، محصول متفاوتی از خود به‌جا گذاشته و بسیاری از صاحب‌نظران و نظریه‌پردازان را به واکاوی و تبیین علل بروز آن‌ها سوق داده است. بدیهی است که نمی‌توان

یک علت اساسی برای همه انقلاب‌ها شناسایی کرد و بهتر است شرایط انقلابی، یا شرایطی را که امکان دارد فرایند یک جنبش انقلابی را بوجود آورد، بررسی کرد. البته از بین علل مختلف ممکن است عامل خاصی مانند رشد جمعیت نقش مهم‌تری داشته باشد. با این حال نمی‌توان یک عامل، یا تعداد خاصی از عوامل را شناسایی کرد که در همه انقلاب‌ها نقش تعیین‌کننده داشته باشند؛ زیرا در جوامع مختلف ترکیب و صورتبندی این عوامل، می‌تواند متفاوت باشد. بنابراین هرچند می‌توان بخش اصلی این تفاوت‌ها را ناشی از بستر اجتماعی و سیاسی موجود در هر یک از این کشورها دانست. اما به نظر می‌رسد ویژگی‌های جمعیتی این کشورها نیز از اهمیت خاصی برخوردار است و می‌تواند بخشی از این تفاوت‌ها را توضیح دهد. در این راستا ضمن توصیف و مقایسه ویژگی‌های جمعیتی کشورهای مورد مطالعه، این مقاله به دنبال شناخت تفاوت‌ها و شباهت‌های جمعیت‌شناختی کشورهای عربی آفریقایی است.

روش شناسی

روش این مطالعه تطبیقی است. در استفاده از روش تطبیقی^۱ به سه سؤال اساسی باید پاسخ داد. نخستین سؤال این است که چه چیزی باید تطبیق داده شود؟ پاسخ به این سؤال واحدهای تطبیق را مشخص خواهد کرد. سؤال دوم این است که چرا تطبیق باید انجام شود؟ پاسخ به این سؤال هدف از تطبیق را مشخص می‌کند که در سطور پیش به آن اشاره شد. سؤال سوم این است که، تطبیق چگونه انجام می‌شود؟ منظور از این سؤال، روش اتخاذ شده است که به تفصیل به آن پرداخته می‌شود (سرانا، ۱۳۷۳: ۲۹-۲۷).

در روش تطبیقی، نمونه‌هایی که خصلت‌های مشابه و مشترک بسیار دارند و از جهات مهمی هم متفاوت با یکدیگرند انتخاب می‌شوند. در این روش چنین سؤال می‌شود که شرایط ظاهراً مشابه چرا پیامدهای متفاوت دارند؟ در روش تطبیقی، محقق به سراغ نمونه‌های اندکی می‌رود که حادثه‌ای را به درجات مختلف واجد هستند و سپس می‌کوشد تا فرایندهای مولد نتایج متفاوت را مشخص و متمایز سازد. این روش، مقتضی تحقیقی تفصیلی در همه نمونه‌هاست. (لیتل، ۱۳۷۳: ۴۴). روش تطبیقی برای مقایسه واحدهای اجتماعی کلان به کار گرفته می‌شود و به شناخت تفاوت‌ها و شباهت‌های بین جوامع علاقمند است (ریگین، ۱۳۸۸: ۳۱).

در روش تطبیقی ضروری است میان واحدهای مشاهده و واحدهای تبیین تمایز قایل شد. واحد مشاهده ناظر بر واحدی است که برای جمع‌آوری و تحلیل داده از آن استفاده می‌شود. واحد تبیین به واحدی اشاره دارد که برای تبیین الگوی مشاهده شده به کار گرفته می‌شود

(همان، ۱۳۸۸: ۴۰). در این مطالعه واحد مشاهده و واحد تبیین کشور است، که با عنایت به تفاوت در کیفیت تجربه بیداری اسلامی انتخاب شده‌اند. بنابراین با توجه به راهبرد مورد محور که متکی به نمونه‌های اندکی است، ده کشور عربی آفریقایی و آسیایی به‌عنوان نمونه مورد مطالعه قرار گرفت. این ده کشور شامل پنج کشور از شمال آفریقا (تونس، لیبی، مصر، مراکش و الجزایر) و پنج کشور از جنوب غربی آسیا (یمن، بحرین، سوریه، عمان و عربستان) هستند. لازم به ذکر است که در این مطالعه، کشورهای مورد بررسی در سه دسته با هم مقایسه می‌شوند. دسته اول شامل کشورهای تونس، مصر، لیبی و یمن هستند که خیزش‌های مردمی در آنها موجب سقوط حکومت شده است. دسته دوم شامل کشورهای بحرین و سوریه است که خیزش‌های مردمی باعث شروع تحولات اخیر در آن کشورها در مقیاس وسیع شده است، اما در ساختار سیاسی آنها تغییری رخ نداده است. و در نهایت، دسته سوم شامل چهار کشور عربستان، الجزایر، مراکش و عمان است که هنوز خیزش‌های مردمی را (در مقیاس وسیع) تجربه نکرده‌اند.

در این مطالعه، یک دوره ۴۰ ساله بین دو مقطع زمانی سال‌های ۲۰۱۰-۱۹۷۰ به‌عنوان دوره زمانی مطالعه انتخاب شده است. از دلایل انتخاب این دوره زمانی می‌توان به امکان دسترسی به داده‌ها و اطلاعات آماری در سال‌های مذکور و امکان مقایسه بین سال‌های انتخاب شده اشاره کرد. منبع داده‌ها، بخش جمعیت سازمان ملل، بانک جهانی و دفتر مجمع جمعیت می‌باشد.

مروری بر ادبیات نظری و تجربی

برای بسیاری از دانشمندان علوم سیاسی، جمعیت‌شناسی تا حد زیادی غیرنظری و بیشتر تجربی به‌چشم می‌آید. با این حال توجه به جمعیت به‌عنوان یک عامل مؤثر در تحولات اجتماعی از سوی بسیاری از اندیشمندان مورد توجه قرار گرفته است. جک گلدستون^۱ معتقد بود که رشد جمعیت، با وجود ساختارهای اجتماعی انعطاف‌ناپذیر، باعث تغییرات چشمگیر سیاسی در انگلیس، فرانسه، چین و امپراتوری عثمانی شد. رشد جمعیت، افزایش هزینه‌های دولت را در پی داشت و آن نیز موجب تورم شد و در نهایت کار به بحران مالی انجامید. در این جوامع که در آنها فرصت‌های واقعی برای تحرک اجتماعی وجود نداشته، رشد جمعیت، نارضایتی و ناآرامی به‌بار آورده است. نتیجه در هر چهار مورد، شورش و انقلاب بود. استفن ساندerson^۲ معتقد بود که رشد جمعیت در طول تاریخ بشر، به‌ویژه از زمان انقلاب کشاورزی، محرک مهمی برای تغییر بوده است (ویکس، ۱۳۸۵: ۱۲۴).

1. Jack Goldston
2. Sanderson

گاستون بوتول^۱ ساختار جمعیتی-اقتصادی را که در آن تعداد جوانان از تعداد مشاغل ضروری اقتصادی بیشتر است، را ساختار انفجاری می‌نامد. این ساختار زمینه تحریک حس ستیزه‌جویی را مساعد می‌کند، زیرا سرانجام آن نوعی توسعه ناگهانی است، توسعه‌ای که در عین حال تشنج‌آلود و جمعی است (بوتول، ۱۳۷۶: ۵۰).

آنچه ساختار جمعیتی را تعیین می‌کند تغییر در میزان باروری، مرگ‌ومیر و مهاجرت است. وضعیت باروری در کشورهای جهان یکسان نیست و متناسب با تغییر در پارامترهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دستخوش نوسان می‌شود و ترکیب سنی جمعیت را متأثر می‌سازد. از این رو اندیشمندان برای حفظ تعادل جمعیتی به‌دنبال راهکارهای مستقیم و غیرمستقیم در تأثیرگذاری بر باروری هستند.

افزایش تحصیلات یکی از عوامل تأثیرگذار در کاهش باروری است. داده‌ها در مورد مناطق گوناگون دنیا نشان داده‌اند که میزان باروری زنان تحصیل‌کرده، کمتر از زنان دارای سطوح سواد پایین‌تر است (ویکس، ۱۳۸۵: ۲۵۰). یک بررسی در رابطه با تحصیلات و باروری نشان داد که در ۴۶ کشور از ۴۹ کشور، زمانی که ۵۰ درصد از جمعیت مردان به سطح باسوادی می‌رسند، میزان باروری کاهش می‌یابد (کاربج و تاد^۲، ۲۰۰۱: ۸-۶).

مدت زیادی طول نمی‌کشد که سواد گسترده در جامعه، روابط اقتدار را در خانواده متحول کند. گسترش کنترل مولید که بعد از افزایش سطح سواد در جامعه رخ می‌دهد، سبب می‌شود که روابط سنتی میان زنان و مردان متحول شود. منظور از روابط سنتی، اقتداری است که مردان بر همسرانشان دارند. به‌طور جداگانه و یا در مجموع می‌توان گفت، این تغییر مسیر اقتدار در جامعه سبب تحولی مدام و انحرافی در اقتدار سیاسی جامعه شده است که می‌تواند مهلک و کشنده باشد. به بیان دیگر، سن باسواد شدن و نیز استفاده از وسایل پیشگیری از بارداری، تقریباً همزمان است با سن انقلاب در جامعه. انقلاباتی که در کشورهای انگلستان، فرانسه، روسیه و چین اتفاق افتاد، مؤید این رابطه است (همان: ۱۸-۱۷).

در این زمینه، هیر و گراس برد^۳ (۱۹۸۱) معتقد است که کاهش نسبت زانی که نقش سنتی همسری را ایفا می‌کردند منجر به افزایش نسبت زانی می‌شود که با استفاده از نظام آموزشی، خود را برای پیدا کردن شغل و افزایش تعداد زنان استخدام شده آماده می‌سازند.

یکی دیگر از عناصر جمعیت‌شناختی که ساختار جمعیت را متأثر می‌سازد؛ میزان مرگ‌ومیر است. بدیهی است که عوامل مؤثر بر مرگ‌ومیر، طیف وسیعی از متغیرها را در بر می‌گیرد. کارساندرز^۴ مقتضیات سیاسی نظیر تشکیل دولت‌های مرکزی، نظم داخلی، امنیت ملی و عدم وجود جنگ و نزاع را یکی از عوامل مؤثر در کاهش مرگ‌ومیر بر می‌شمارد. (حسینی، ۱۳۸۱:

1. Bouthoul

2. Courbage & Todd

3. Heer & Grossbard

4. Carr Sannders

۸۰). به‌طور کلی؛ بالاترین نرخ‌ها در کشورهایی یافت می‌شود که در آن جنگ‌های شهری و ناپایداری سیاسی زمینه‌ساز فقر گسترده شده است نظیر اتیوپی، لیبریا و سیرالئون (دن و همکاران^۱، ۲۰۰۶: ۲).

یکی دیگر از عواملی که بر نرخ مرگ‌ومیر اطفال زیر یک سال اثر می‌گذارد، نسبت جمعیت شهری یا روستایی به کل جمعیت کشورهاست. در سال ۱۹۶۳-۱۹۶۱ در دو ایالت از ایالات یازده گانه مالزی که نسبت شهرنشینی بالاتری داشتند، پایین‌ترین نرخ مرگ‌ومیر اطفال گزارش شد. بالاترین نرخ‌ها به چهار استان که بالاترین نسبت روستانشینی را داشتند اختصاص داشت (سازمان ملل^۲، ۱۹۷۳: ۱۳۶).

علاوه بر باروری و مرگ‌ومیر، عامل سوم که در تغییرات جمعیتی نقش دارد؛ مهاجرت^۳ است. مهاجرت روستاییان فقیر به شهرها باعث افزایش بیکاران می‌شود. همچنین «میزان فزاینده مهاجرین به داخل موجبات گسترش بی‌سازمانی اجتماعی یا آنومی را فراهم می‌آورد» (هیر، ۱۳۸۰: ۱۷۷). به‌طوری‌که مارکسیست‌های نو، به‌ویژه مانوئل کاستل، تهدیدستان شهری غیرمتشکل را کنشگران جنبش‌های شهری جدید محسوب می‌دارد (پیران، ۱۳۹۰: ۱۵۳). مهاجرت روستاییان فقیر به حاشیه شهرهای ایران، به‌ویژه تهران، باعث افزایش مردان جوان بیکار شد که آمادگی پیوستن به نیروهای براندازنده رژیم موجود در انقلاب سال ۱۹۷۹ را داشتند (ویکس، ۱۳۸۵: ۳).

به عقیده هاینزون^۴ «تورم جمعیت جوان» و به‌عبارت روشن‌تر سهم بالاتر از متوسط جمعیت جوانان ۱۵ تا ۲۵ سال در یک جامعه، یکی از عوامل اصلی بروز ناآرامی‌ها و شورش‌ها در برخی از کشورهای جهان است. هرگاه در یک کشور جمعیت جوان افزایشی انبوه داشته باشد، آنگاه زیرساخت‌های اجتماعی با مشکل روبه‌رو می‌شود و مراکز تحصیلی و شغلی موجود و همین‌طور سیستم بهداشت و درمان برای این جمعیت کفایت نمی‌کند (لويس، ۱۳۹۰: ۷).

سینکوتا^۵ (۲۰۰۹) نیز از جمله جدی‌ترین پیامدهای رشد جمعیت بالا را، تورم جوانی^۶ می‌داند. به‌خصوص اگر شغل کافی وجود نداشته باشد و یا اینکه هیچ موردی برای این جوانان توسط اقتصاد ملی یا توسط دولت ارائه نشده باشد. نتایج مطالعات مختلف نشان داده است که کشورهای با نسبت بالای تورم جوانی، بیشتر در معرض خطر خشونت‌های سیاسی و درگیری‌های داخلی می‌باشند.

باید توجه داشت که، هر چقدر جوانان در یک جامعه دیرتر به ثبات شغلی و موقعیت اقتصادی قابل قبول برسند، سن ازدواج نیز به همان نسبت افزایش مداوم خواهد داشت.

1. Dean et.al
2. United Nations
3. Immigration
4. Heinsohn
5. Cincotta
6. Youth bulges

همان‌طور که از ادبیات نظری بر می‌آید؛ تفاوت در ساخت سنی، پیامدهای گوناگونی برای جامعه به‌همراه دارد. مهمترین پیامد اقتصادی این تفاوت، نسبت وابستگی^۱ است. پنجره جمعیتی^۲ دوره‌ای است که در آن، نسبت وابستگی سنی کوچک و کمتر از ۰/۵ شود. مطابق با این تعریف، پنجره جمعیتی دوره‌ای است که در آن سهم جمعیت بالقوه فعال (۱۵-۶۴ ساله) از کل جمعیت بزرگ شود (سرایبی، ۱۳۹۰: ۱۲۸). این دوره می‌تواند به‌عنوان فرصت و یا به‌عنوان تهدید مورد توجه دولت‌ها قرار گیرد.

یافته‌ها

همان‌طور که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود؛ تعداد جمعیت کشورهای دسته اول بین ۶/۳۵۵ میلیون نفر (لیبی) تا ۸۱/۱۲۱ میلیون نفر (مصر) نوسان دارد. کشور بحرین واقع در دسته دوم فقط ۱/۲۶۲ میلیون نفر جمعیت دارد و جمعیت کشورهای گروه گواه بین ۲/۷۸۲ میلیون نفر (عمان) تا ۳۵/۴۶۸ میلیون نفر (الجزایر) متغیر می‌باشد. مقایسه این ارقام نشان می‌دهد که تعداد جمعیت نمی‌تواند عامل تعیین‌کننده باشد چون از قانون خاصی تبعیت نمی‌کند.

جدول ۱. تعداد، درصد رشد سالانه و زمان دو برابر شدن جمعیت

دسته	نام کشور	تعداد جمعیت (به هزار نفر)				زمان دو برابر شدن جمعیت
		۱۹۷۰		۲۰۱۰		
		۱۹۷۰	۲۰۱۰	۱۹۷۰	۲۰۱۰	
اول	مصر	۴۴۹۵۲	۸۱۱۲۱	۲/۲	۱/۸	۴۱
	لیبی	۳۰۶۳	۶۳۵۵	۴/۲	۱/۹	۳۶
	تونس	۶۴۵۶	۱۰۴۸۱	۲/۰	۱/۱	۶۳
	یمن	۷۹۴۵	۲۴۰۵۳	۱/۷	۳/۰	۲۳
دوم	بحرین	۳۵۸	۱۲۶۲	۴/۵	۷/۰	۱۰
	سوریه	۸۹۰۷	۲۰۴۱۱	۳/۴	۱/۹	۳۵
سوم	عربستان	۹۸۰۱	۲۷۴۴۸	۴/۸	۲/۶	۲۷
	عمان	۱۱۸۱	۲۷۸۲	۴/۱	۲/۷	۲۶
	الجزایر	۱۸۸۱۱	۳۵۴۶۸	۳/۰	۱/۵	۴۷
	مراکش	۱۹۵۶۷	۳۱۹۵۱	۲/۴	۱/۰	۷۰

United Nations, Department of Economic and Social Affairs, Population Division (2011).

میزان رشد سالانه جمعیت نیز در بین کشورهای مورد مطالعه از حداقل ۱/۱ درصد در کشور تونس تا حداکثر ۷/۰ درصد در کشور بحرین طی سال‌های ۲۰۱۰-۱۹۷۰ متغیر است. به‌طوری که کم یا زیاد بودن رشد سالانه جمعیت منحصر به یک گروه از کشورهای مورد

1. Dependency Ratio

2. Demographic Dividend

بررسی نمی‌باشد. رشد سالانه در کشورهای دسته یک و سه طی سال‌های ۲۰۱۰-۱۹۷۰ با کاهش نسبی همراه است. فقط میزان این رشد در کشور یمن بسیار ناچیز است ولی کشور بحرین که در دسته دوم قرار دارد با افزایش رشد سالانه جمعیت روبروست که عامل اصلی آن مهاجرپذیری است. در مجموع می‌توان گفت که تعداد و درصد رشد سالانه جمعیت در سه دسته مورد مطالعه تفاوت معناداری با هم ندارند. ولی دسته دوم از نظر تعداد و درصد رشد سالانه جمعیت با دو دسته دیگر تفاوت دارد. از طرفی جمعیت آن بسیار کم و از طرف دیگر رشد سالانه جمعیت به حدود دو برابر افزایش یافته است.

بر اساس داده‌های جدول ۲، در دسته اول با وجود تمام تفاوت‌هایی که در سطح باروری در سال ۱۹۷۰ وجود دارد، مصر، لیبی و تونس در سال ۲۰۱۰ باروری‌شان را به حدود ۲ رساندند اما یمن در سطحی بالاتر از سایر کشورها دارای باروری حدود ۵/۵ است. در دسته دوم باروری در سال ۱۹۷۰ در سوریه و بحرین به ترتیب ۷/۵ و ۵/۲ بوده است و در طی سال‌های بعد بطور مشابه روند نزولی را پشت سر گذاشته و به ۳/۱ و ۲/۶ به ترتیب برای سوریه و بحرین رسیده است. میزان باروری از سال ۱۹۷۰ برای دسته سوم نشان از روند کاهشی دارد، به طوری که در سال ۲۰۱۰ باروری هیچکدام از آن‌ها بیشتر از ۳ نبوده است. میزان باروری کل در هر سه دسته از کشورهای مورد مطالعه طی سال‌های ۲۰۱۰-۱۹۷۰ با کاهش همراه است. فقط در کشور یمن شدت این کاهش کمتر از سایر کشورها می‌باشد. ولی در سال ۲۰۱۰ این میزان تقریباً در همه کشورهای مورد بررسی در یک سطح قرار دارد.

میزان مرگ‌ومیر کودکان^۱ کمتر از یک سال در دسته اول در سال ۱۹۷۰ بالای ۱۰۰ در هزار بوده است و این رقم در کشورهایی که در حال تجربه بیداری اسلامی هستند به چشم نمی‌خورد. هر چند که روند مرگ‌ومیر کودکان در حال کاهش است اما در مجموع میزان مرگ و میر کودکان و نیز میزان مرگ‌ومیر عمومی، در آن‌ها بالاتر از سایر گروه‌هاست. در راستای کاهش مرگ‌ومیر، میزان امید زندگی نیز در حال افزایش است.

در دسته دوم روند مرگ‌ومیر کودکان کمتر از یک سال و میزان مرگ‌ومیر عمومی، سیر نزولی داشته است. نکته قابل توجه درباره کشورهای دسته دوم این است که شاخص امید زندگی آنها از کشورهای دسته اول و نیز کشورهای دسته سوم بالاتر است. در سال ۱۹۷۰ امید زندگی در سوریه (۶۱/۸) کمتر از بحرین (۶۵/۵) است اما با طی کردن روند صعودی در سال ۲۰۱۰، عمر متوسط در سوریه از بحرین پیشی می‌گیرد.

جدول ۲. میزان‌های باروری کل، مرگ و میر عمومی و کودکان، امید زندگی و مهاجرت خالص بین‌المللی کشورهای مورد مطالعه در سال‌های ۱۹۷۰ و ۲۰۱۰

دسته	نام کشور	میزان باروری کل		میزان مرگ و میر (در هزار)		امید زندگی	میزان خالص مهاجرت بین‌المللی (در هزار)
		۲۰۱۰	۱۹۷۰	کودکان	عمومی		
اول	مصر	۵/۷	۲/۸	۱۵/۰	۵/۲	۱۳۸	۲۶
	لیبی	۷/۶	۲/۷	۱۵/۰	۴/۰	۱۰۵	۱۵
	تونس	۶/۲	۲/۰	۱۲/۰	۵/۹	۱۱۹	۲۱
	یمن	۷/۷	۵/۵	۲۳/۰	۷/۰	۱۷۴	۵۳
دوم	بحرین	۵/۹	۲/۶	۷/۰	۲/۸	۴۹	۷
	سوریه	۷/۵	۳/۱	۱۰/۰	۳/۵	۷۷	۱۵
سوم	عربستان	۷/۳	۳/۰	۱۳/۰	۳/۸	۱۰۷	۱۹
	عمان	۷/۴	۲/۵	۱۴/۰	۳/۷	۱۱۵	۹
	الجزایر	۷/۴	۲/۴	۱۵/۰	۴/۹	۱۳۱	۲۵
	مراکش	۶/۹	۲/۴	۱۶/۰	۵/۸	۱۲۳	۳۴

United Nations, Department of Economic and Social Affairs, Population Division (2011).

روند مرگ‌ومیر کودکان زیر یک سال در دسته سوم، کاهش یافته است و هر سال از تعداد کودکان از دست رفته زیر یک سال کاسته شده است. در کنار مرگ‌ومیر کودکان باید به میزان مرگ‌ومیر عمومی نیز توجه ویژه داشت چرا که به اجمال تمام مردم یک جامعه، نه فقط کودکان زیر یک سال، را در بر می‌گیرد. این میزان نیز در چهار کشور مذکور در طی سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۰ تنزل یافته است که می‌تواند نشان از افزایش سطح بهداشت در جامعه داشته باشد. با کاهش میزان مرگ باید انتظار افزایش عمر متوسط را داشته باشیم. در تمام کشورهای بدون استثناء امید زندگی افزایش یافته است و در سال ۲۰۱۰ (به استثناء یمن) مرز ۷۱ سال را پشت‌سر گذاشته است.

در رابطه با بحث مهاجرت در کشورهای دسته اول نکته مشترک هر چهار کشور، مهاجرفرستی آن‌ها می‌باشد. در دسته دوم بحرین مهاجرپذیر و سوریه مهاجرفرست است. در دسته سوم عربستان و عمان کشورهای مهاجرپذیر و مراکش و الجزایر مهاجرفرست هستند. در توزیع جمعیت باید به میزان شهرنشینی کشورها توجه ویژه نمود. داده‌ها در جدول ۳ نشان می‌دهد که این نرخ در کشورهای دسته اول از حدود ۱۳/۳ تا ۸۸/۶ طی سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۰ متغیر است. میزان شهرنشینی در یمن همواره در سطحی پائین‌تر از سایر کشورها قرار دارد. در دسته دوم، جمعیت شهری و روستایی سوریه تفاوت قابل توجهی ندارد. میزان شهرنشینی در بحرین بیشتر از تمام کشورهای مورد مطالعه است. میزان شهرنشینی در

کشورهای دسته سوم مانند کشورهای دسته اول و دوم نیز در حال افزایش است به طوری که در سال ۲۰۱۰ به ترتیب عربستان، عمان، الجزایر و مراکش بالاترین میزان شهرنشینی را داشتند.

جدول ۳. میزان شهرنشینی، تراکم جمعیت، میزان باسوادی^۱، متوسط سال‌های مجرد کشورهای

مورد مطالعه

دسته	نام کشور	میزان شهرنشینی		تراکم زیستی		میزان باسوادی		متوسط سال‌های مجرد			
		۲۰۱۰	۱۹۷۰	۲۰۰۰	۱۹۷۰	۲۰۰۵	۱۹۹۵	مرد	زن		
		مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن		
اول	مصر	۴۳/۴	۴۲/۲	۱۲/۴	۲۰/۷	۵۷/۷	۲۷/۷	۶۳/۷	۷۶/۹	۲۲	۲۸
	لیبی	۴۹/۷	۴۹/۷	۱/۰	۲/۴	۸۳/۳	۲۷/۴	۹۹/۸	۹۳/۵	۲۹	۳۲
	تونس	۴۳/۵	۴۳/۵	۱/۱	۱/۹	۷۰/۳	۳۴/۷	۹۷/۶	۸۹/۸	۲۷	۳۰
	یمن	۱۳/۳	۱۳/۳	۴/۴	۱۰/۸	۴۰/۳	۴/۶	۸۳/۶	۴۸/۵	۲۱	۲۵
دوم	بحرین	۸۳/۸	۸۳/۸	۷۳/۲	۱۱۳/۶	۸۸/۳	۶۸/۸	۹۸/۳	۹۸/۳	۲۷	۳۰
	سوریه	۴۳/۳	۴۳/۳	۱/۱	۳/۰	۷۹/۳	۳۶	۹۵/۸	۹۲/۹	۲۵	۲۹
سوم	عربستان	۴۸/۷	۴۸/۷	۴/۰	۶/۰	۷۴/۱	۳۵/۴	۹۵/۲	۹۱/۰	۲۴	۲۸
	عمان	۲۹/۷	۲۹/۷	۱۷/۸	۳۴/۸	۵۶/۱	۱۱/۵	۹۹/۶	۹۶/۸	۲۲	۲۶
	الجزایر	۳۹/۵	۳۹/۵	۶۶/۵	۲/۰	۵۶/۷	۲۶/۲	۹۳/۶	۸۴/۶	۲۶	-
	مراکش	۳۴/۵	۳۴/۵	۵۸/۲	۲/۰	۴۹/۴	۱۷/۲	۷۶/۷	۵۹/۷	۲۵	۳۰

United Nations, Department of Economic and Social Affairs, Population Division (2011).

تراکم زیستی^۲ نیز با شدت و ضعف متفاوت در تمام کشورهایی که بیداری اسلامی را تجربه کرده‌اند در حال افزایش است. تراکم زیستی نیز در بحرین بیشتر از سایر کشورهاست. در دسته سوم تراکم زیستی در هر چهار کشور تقریباً در حال افزایش ولی این نرخ در عمان بالاتر از سایر کشورها قرار دارد.

در رابطه با میزان باسوادی و مجرد قطعی، نیز باید افزود این دو شاخص با یکدیگر رابطه معکوس دارند. در چهار کشور تونس، یمن، لیبی و مصر، آمارها گویای افزایش سطح سواد در میان مردان و زنان است و به همان نسبت در طی سال‌های متمادی شاهد افزایش سن ازدواج و نیز سال‌های مجرد در میان زنان و مردان هستیم. در سال ۲۰۱۰ تقریباً تمام مردم بحرین و سوریه باسواد بودند. در این حین باید توجه کرد که با افزایش میزان باسوادی و نیز تحصیلات زنان، سن اولین ازدواج نیز افزایش می‌یابد. میزان باسوادی در تمام کشورهای دسته سوم در حال افزایش است اما با وجود افزایش، مراکش در این زمینه در رتبه آخر قرار گرفته است.

1 . Young Adult Literacy

۲. این شاخص نشان می‌دهد که در هر کیلومتر مربع از مساحت زمین‌های قابل کشت یک کشور، به طور متوسط چند نفر زیست می‌کنند. این شاخص از تقسیم کل جمعیت بر مساحت اراضی زیر کشت محاسبه می‌شود.

درصد باسوادی زنان در سال ۲۰۰۵ با وجود پشت سر گذاشتن روند افزایشی به ۶۰ درصد و درصد باسوادی مردان به ۷۷ درصد رسیده که این رقم در مقایسه با سایر کشورها کم است. با افزایش باسوادی باید انتظار افزایش سن ازدواج را نیز داشت و همان طور که از داده‌های مشخص است سالهای تجرد در هر چهار کشور در حال افزایش است.

در کشورهای دسته اول با توجه به جمعیت زیر ۱۵ سال و جمعیت ۶۵ ساله و بیشتر باید گفت، ساختار سنی در هر چهار کشور، نسبتاً جوان و میان سال است. نسبت وابستگی کل در چهار کشور دسته اول، از ۴۴ شروع شده و به ۸۸ ختم می‌شود ولی بار اصلی این وابستگی از جانب کودکان زیر ۱۵ سال می‌باشد. به غیر از یمن، برهه زمانی پنجره جمعیتی در تمام کشورهای دسته اول تقریباً یکسان است و همه آن‌ها تجربه‌ای از ازدیاد جوانان را تجربه خواهند کرد.

جدول ۴. درصد جمعیت زیر ۱۵ سال و ۶۵ سال و بالاتر و نسبت وابستگی

کل کشورهای مورد مطالعه در سال ۲۰۱۰				
دسته	نام کشور	درصد جمعیت زیر ۱۵ سال	درصد جمعیت ۶۵ سال و بالاتر	نسبت وابستگی کل
اول	مصر	۳۱/۵	۵/۵	۵۸
	لیبی	۲۹/۴	۴/۶	۵۳
	تونس	۲۳/۵	۶/۹	۴۴
	یمن	۴۲/۰	۲/۷	۸۸
دوم	بحرین	۱۹/۹	۲/۰	۲۸
	سوریه	۳۵/۷	۳/۷	۶۹
سوم	عربستان	۳۰/۷	۳/۰	۵۰
	عمان	۲۷/۴	۲/۵	۴۲
	الجزایر	۲۷/۱	۴/۷	۴۶
	مراکش	۲۸/۱	۵/۰	۵۰

United Nations, Department of Economic and Social Affairs, Population Division (2011).

نسبت وابستگی کل در سوریه و بحرین به ترتیب ۶۹ و ۲۸ است و فشار اصلی بر روی نیروی جوان، از سوی کودکان زیر ۱۵ سال است. همین الگوی مشابه در کشورهای دسته اول نیز به چشم می‌خورد. وجود دوران پربار و مفید موهبت جمعیتی در بحرین نیز مؤید ساختار جوان و فعال این کشور است. پنجره جمعیتی در بحرین در سال ۱۹۹۵ باز شد و در سال ۲۰۴۰ بسته خواهد شد.

در دسته سوم نیز مانند دو دسته قبل، فشار اقتصادی بیشتر از سوی کودکان است تا جمعیت بالای ۶۵ سال. تجربه دوران پنجره جمعیتی در این کشورها بسیار به یکدیگر شباهت دارد. هر چهار کشور حدود سال ۲۰۱۰ وارد این برهه می‌شوند و بعد از حدود ۵ دهه یعنی در

حدود سال ۲۰۶۰ از آن خارج می‌گردند. در واقع، این کشورها هم اکنون در مراحل ابتدایی این فرصت طلایی هستند.

داده‌های جدول ۵ نشان می‌دهد که نرخ بیکاری در چهار کشور دسته اول نه تنها کاهش نیافته است بلکه در برخی شاهد افزایش نیز بوده‌ایم. البته چون داده‌های موجود کافی نیست نمی‌توان قضاوت درستی درباره آن به عمل آورد. نرخ اشتغال زنان در تونس، یمن، مصر و لیبی در سطحی حدوداً بالاتر از سایر کشورها قرار دارد. به غیر از مراکش، سایر کشورها دارای اختلاف در میزان اشتغال زنان در خارج از خانه می‌باشند. در سال ۲۰۰۹ میزان بیکاری بحرین ۱۵ و سوریه ۸/۳ درصد می‌باشد. با وجود این نرخ بیکاری، روند اشتغال زنان در بحرین و سوریه همانند سایر کشورها در حال افزایش است. در دسته سوم می‌توان روند کاهش بیکاری در این کشورها را مشاهده کرد. هم راستا با کاهش بیکاری، اشتغال زنان نیز در حال افزایش روزافزون است به طوری که مراکش در سال ۲۰۰۰ از مرز ۳۴ درصد عبور کرده است.

جدول ۵. میزان بیکاری، میزان اشتغال زنان و توزیع درصد شاغلین در بخش‌های اقتصادی کشورهای مورد مطالعه

دسته	نام کشور	میزان بیکاری		میزان اشتغال زنان			درصد شاغلین در بخش‌های اقتصادی ۲۰۱۰		
		۲۰۰۹	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۱۹۷۰	۲۰۰۰	کشاورزی	صنعت	خدمات
اول	مصر	۸/۷	۹/۰	۲۵/۹	۳۰/۴	۳۰/۴	۱۴	۳۸	۴۸
	لیبی	-	-	۱۶/۳	۲۳/۱	۲۳/۱	۲	۷۸	۲۰
	تونس	۱۴/۲	۱۵/۷	۲۳/۷	۳۱/۸	۳۱/۸	۸	۳۲	۶۰
دوم	یمن	۱۵/۰	۱۱/۵	۲۷/۱	۲۸/۱	۲۸/۱	۸	۲۹	۶۳
	بحرین	۱۵/۰	-	۴/۸	۲۰/۹	۲۰/۹	۰/۵	۳۹	۶۱
	سوریه	۸/۳	۱۱/۲	۲۲/۷	۲۷/۰	۲۷/۰	۲۳	۳۱	۴۶
سوم	عربستان	۵/۰	۴/۶	۵/۰	۱۶/۱	۱۶/۱	۲	۶۰	۳۸
	عمان	-	-	۶/۲	۱۷/۱	۱۷/۱	-	-	-
	الجزایر	۱۱/۳	۲۹/۸	۲۰/۳	۲۷/۶	۲۷/۶	۷	۶۲	۳۱
	مراکش	۹/۴	۱۳/۶	۳۱/۴	۳۴/۷	۳۴/۷	۱۵	۳۰	۵۵

United Nations, Department of Economic and Social Affairs, Population Division (2011).

بیشترین سهم صنعت در کشورهایی که بیداری اسلامی را تجربه کرده‌اند، مربوط به خدمات است. در بحرین و سوریه بخش اعظمی از تولیدات برعهده خدمات بوده و کشاورزی نیز در این راستا کمترین سهم را داشته است. در دسته سوم سهم بخش کشاورزی مانند دو دسته قبل از همه پایین‌تر است. اما نکته قابل توجه در الجزایر و عربستان، بالا بودن سهم صنعت در مقایسه با خدمات است. در مراکش مانند سایر کشورها، بخش خدمات بسیار پررنگ‌تر است، اما

در عربستان و مراکش وضعیت تغییر کرده است و خدمات به رتبه دوم در تولید ناخالص ملی تنزل کرده است. متأسفانه آمار کشور عمان در این رابطه در دسترس نمی‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

در نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت: حجم جمعیت در همه کشورها افزایش یافته در حالی که درصد رشد سالانه آن‌ها کاهش یافته‌است. هر چند ممکن است این مهم در سطوح مختلفی روی داده باشد. از این رو کشورها به لحاظ زمان ورود به پنجره جمعیتی یکسان نبوده و از این نظر بین کشورها تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد. تفاوت دیگر در ویژگی‌های جمعیت‌شناختی بیداری اسلامی، زمان دو برابر شدن جمعیت است. جمعیت تونس طی ۶۳ سال دو برابر خواهد شد. جمعیت سوریه و لیبی طی ۳۶ سال و جمعیت یمن طی ۲۳ سال دو برابر خواهند شد. جمعیت مصر در طول ۴۱ سال دو برابر خواهد شد. بحرین نیز به ۱۰ سال نیاز دارد. این زمان نشان می‌دهد که در حال حاضر جمعیت کشورها با سرعت متفاوتی در حال رشد است.

در رابطه با حرکات جمعیت باید اذعان داشت که شاخص‌هایی نظیر میزان باروری، استفاده از وسایل پیشگیری از بارداری و متوسط سال‌های مجرد در تمام کشورها دارای روند مشابهی بوده، به طوری که باروری روند نزولی داشته است. یکی از علل کاهش باروری شیوع استفاده از وسایل پیشگیری مدرن است. آمارها نشان از افزایش میزان استفاده از وسایل مدرن در این کشورها دارد. از دیگر عوامل کاهش باروری، کاهش میزان مرگ‌ومیر است. علاوه بر، روند نزولی مرگ و میر اطفال کمتر از یکسال، میزان خام مرگ نیز تنزل یافته‌است. همچنین در تمام کشورها امید زندگی افزایش پیدا کرده است. از نظر مهاجرت بین کشورها تفاوتی به چشم می‌خورد. به طوری که کشورهای بحرین، عربستان و عمان مهاجرپذیر و مابقی کشورها مهاجرفرست هستند.

در رابطه با توزیع جمعیت شاخص‌های میزان شهرنشینی و تراکم زیستی با شدت و ضعف متفاوت در تمام کشورها افزایش یافته‌است.

در رابطه با ترکیب جمعیت باید گفت که ساختار سنی در همه کشورها نسبتاً جوان و میان‌سال است. نسبت وابستگی کشورها از لحاظ کمیت با یکدیگر اختلاف دارند، ولی در تمام آن‌ها الگوی یکسانی در نسبت وابستگی کهن‌سالی و کم‌سالی مشاهده می‌شود. نسبت وابستگی کل و فشار اصلی بر روی نیروی جوان، از سوی کودکان زیر ۱۵ سال است. در تمام کشورها به نوعی شاهد بیکاری هستیم. اما درباره میزان بیکاری نمی‌توان به درستی قضاوت کرد؛ چرا که آمارهای موجود ناقص است. با این حال روند اشتغال زنان در کشورها افزایش یافته است. همراه با افزایش باسوادی، سن مجرد قطعی در کشورها نیز افزایش یافته است. سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص در همه کشورها پایین است. در همه کشورها به جز عربستان و الجزایر بخش اعظم تولید ناخالص به‌عهده خدمات بوده است.

با مقایسه این کشورها در قالب سه دسته متفاوت در می‌یابیم که آن‌ها در بسیاری از شاخص‌های جمعیتی نظیر حجم جمعیت، رشد سالانه جمعیت، میزان باروری کل، شیوع استفاده از وسایل پیشگیری و... با یکدیگر شباهت دارند. به عبارت دیگر؛ الگوی مشابهی در ویژگی‌های جمعیت‌شناختی این کشورها وجود دارد. این همگرایی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، حکایت از «ساختاری انفجاری» دارد که می‌تواند زمینه بروز مخاصمات را فراهم نماید. اما این بدان معنی نیست که هر جا این همگرایی جمعیتی مشاهده شود، بروز مخاصمات حتمی است. بلکه باید توجه داشت که این ویژگی‌های جمعیتی شناختی بالقوه عاملی برای ناآرامی هاست که باید با عوامل دیگری ترکیب شوند.

شایان ذکر است که؛ سرعت سرایت اعتراضات خیابانی از تونس به دیگر کشورها نشان از شباهت‌هایی است که میان این کشورها وجود داشته است و همین شباهت‌ها در تأثیرپذیری آنها از یکدیگر نقش غیر قابل انکاری داشته است. جمعیت عمدتاً مسلمان، موقعیت ویژه جغرافیایی، وجود ذخائر و منابع عظیم انرژی، مدت زمامداری حاکمان، تک حزبی بودن، مستعمره بودن از اشتراکات غیرجمعیت‌شناختی هستند که سرنوشت این کشورها را به هم پیوند داده است.

اما از سوی دیگر هر کدام از آنها با توجه به بافت اجتماعی تاریخی و جغرافیایی خود، مانند مولکول‌های مجزایی هستند که سرنوشت آنها را با دیگر نمونه‌ها دچار تمایزاتی می‌کند. یمن و لیبی جامعه‌ای قبیل‌ای هستند. اما تونس‌ها به دلیل مجاورت با قاره اروپا و میزبانی از توریست‌های خارجی دارای یک جامعه شهری قوی و آگاه‌تر نسبت به دیگر جوامع عربی همسایه‌شان بوده‌اند. ساختار اجتماعی سوریه، اساساً از چهار قومیت عرب، کرد، ارمنه و چرکسی پایه‌گذاری شده است. بافت اقلیت کرد سوریه مبتنی بر ساختار سنتی و عشیره‌ای است. بافت اجتماعی کشور بحرین با بافت اجتماعی دیگر کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس تفاوت دارد. از همه مهمتر اینکه قدرت‌های بزرگ در برخورد با خیزش‌های مردمی در کشورهای عربی یکسان برخورد نکردند.

منابع

- افشارکهن، جواد و صادقی، رسول (۱۳۸۵). "تعامل جمعیت و نظام اجتماعی: رویکردی جامعه‌شناختی به مسئله جمعیت"، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال یکم، شماره ۲.
- بوتول، گاستون (۱۳۷۶). "جامعه‌شناسی جنگ"، ترجمه هوشنگ فرخجسته، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- پیران، پرویز (۱۳۹۰). "تحلیل جامعه‌شناختی مسکن شهری در ایران: اسکان غیررسمی"، بررسی مسایل اجتماعی ایران، انتشارات پیام نور.

- حسینی، حاتم (۱۳۸۱). "درآمدی بر جمعیت‌شناسی اقتصادی - اجتماعی و تنظیم خانواده"، همدان: انتشارات دانشگاه بوعلی سینا.
- ریگین، چارلز (۱۳۸۸). "روش تطبیقی، فراسوی راهبردهای کمی و کیفی"، ترجمه محمد فاضلی، تهران: نشر آگاه.
- سرانا، گپالا (۱۳۷۳). "روش‌شناسی تطبیقی در علوم اجتماعی"، ترجمه رحیم فرخ نیا، تهران: نشر مرنديز.
- سرایي، حسن (۱۳۹۰). "جمعیت‌شناسی، مبانی و زمینه‌ها"، تهران: انتشارات سمت.
- گلدستون، جک (۱۳۸۵). "مطالعاتی نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها"، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر.
- لویس، جرونیمو (۱۳۹۰). "بهار عربی از نگاه جمعیت‌شناسان"، ترجمه محمد علی فیروز آبادی، روزنامه شرق، شماره ۱۳۵۳ به تاریخ ۹۰/۷/۵.
- لیتل، دانیل (۱۳۷۳). "تبیین در علوم اجتماعی"، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
- هیر، دیوید ام (۱۳۸۰). "جامعه و جمعیت"، ترجمه یعقوب فروتن، انتشارات دانشگاه مازندران.
- ویکس، جان (۱۳۸۵). "جمعیت مقدمه‌ای بر مفاهیم و موضوعات"، ترجمه الهه میرزایی، تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی.
- Cincoto, R.P. (2009). "Half a chance: youth Bulges and Transitions to Liberal Democracy", ECSP REPORT ISSUE 13.
- Courbage, Y. and E.Todd (2001). "A Convergence of Civilizations: The Transformation of Muslim Societies Around the World". New York: Columbia University Press.
- Dean T.J. and et al (2006). "Priorities in Health", The World Bank. Washington, D.C.
- Heer, D. and A. Grossbard (1981). "The impact of female marriage squeeze and the contraceptive revolution on sex roles and the women liberation movement in the united states 1960 to 1975", *Journal of Marriage and The Family*, University of Southern California.
- United Nations (1973). The Determinants and Consequences of Population TRENDS, Volume 1, Department of Economic and Social Affairs. Population Studies No. 50. New York.